

نظری بر اعلامیه هیئت اجرایی سازمان راه کارگر
در باره «جبهه کردستانی» ائتلافی علیه جنبش «زن، زندگی، آزادی»

بهرز ناصری
یکشنبه ۱۳ ژوئای ۲۰۲۵

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۲۰۲۵ اطلاعیه ای تحت عنوان «جبهه کردستانی»، ائتلافی علیه جنبش «زن، زندگی، آزادی» صادر کرده است که در آن به چند مورد مختلف اشاره کرده است که عبارتند از:

- «... هفت سازمان و حزب کردستانی با اطلاعیه مشترکی در باره موج جدید سرکوب ها در ایران و کردستان از جامعه جهانی خواسته اند تا از هر ابزار ممکن (اعم از دیپلماتیک، رسانه ای و فشارهای بین المللی) برای نجات جان زندانیان سیاسی زیر اعدام تلاش کنند.»
- «روشن است اقدامات ضد بشری جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی در دستگیری های گسترده و صدور احکام اعدام پس از تجاوز صهیونیستی - امپریالیستی علیه خاک ایران، توسط همه نیروهای مترقی و انقلابی داخل و خارج از کشور محکوم شده است.»
- «روشن است تنها نیرویی که میتواند رژیم اسلامی را در سیاست های ضد مردمی و سرکوبگرانه اش به عقب براند و عامل اساسی تغییر در ایران باشد، مردم ایران و بویژه کارگران، زحمتکشان و فرودستان جامعه هستند که در جریان تهاجم خارجی «نه» گفتند، همانطور که بارها به استبداد داخلی «نه» گفته بودند و از این رژیم عبور کرده اند.»
- «این هفت جریان کردستانی در جریان، تهاجم بسیار کارشده، هدفمند و برنامه ریزی شده برای لیبیایی کردن ایران، از سوی «جامعه جهانی» به رهبری آمریکا و نیروی نیابتی اش اسرائیل، از محکوم کردن این تجاوز خودداری کرده بودند...»
- «.....
- «اکنون در خواست مشترک این هفت جریان از «جامعه جهانی» در تداوم همان سیاست رژیم چنی و همسوئی آشکار با اهداف و سیاست های آمریکا و اسرائیل در حمله به ایران تلقی می شود.»
- «از نگاه ما این ائتلاف میان نیروهای رژیم چنی کردستان و نیروهای چپ کردستانی، بی اعتنایی آشکاری است به مواضع نیروهای پیشرو و چپ جامعه ایران و کردستان و تیر خلاصی به همکاری های میان این نیروها، دهد کجی آشکاری است به جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، همسوئی روشنی است با اهداف جامعه جهانی به رهبری آمریکا برای لیبیایی کردن ایران و ضربه ای است به جنبش کارگران و زحمتکشان ایران و به همبستگی ملیت های ایران که در خیزش زینا تجلی های زیبای آن را در کردستان و بلوچستان شاهد بودیم.»
- «امید انتظار داشتیم که نیروهای چپ کردستان و به ویژه حکا، همچنان بر انتخاب خود برای قرار گرفتن در کنار نیروهای چپ و مترقی سراسر ایران پا برجا می مانند.»

با تشکر از هیئت اجرایی راه کارگر، تمایل دارم تا نکاتی را به اختصار خدمت رفقای راه کارگر بیان کنم. نکات زیر نظرات فردی من هست و به همین اعتبار مسئولیت محتوای آن به شخص من است.

نکته اول:

این اطلاعیه کوتاه راه کارگر نشان میدهد که آنها یا شناختی از جنبش کردستان، منافع و مصالح آن ندارند یا اینکه در بدترین حالت اینکه در شرایط حساس و بزنگاهای تاریخی تحت لوای حفظ تمامیت ارضی ایران، اما با زبان و ادبیات چپ، آنها مخالف جنبش کردستان هستند بویژه اگر روزی، برای مثال، مردم کردستان بخواهند از حق تعیین سرنوشت خویش استفاده کنند و خواستار جدایی از ایران باشند، آموغ آنان با ادبیاتی چپ، با آن خواست مردم کردستان مخالفت کنند. و این میتواند نوعی از تفکر و نگرش مرکزگرایی در پوشش چپ را نشان دهد.

اگر این نکته ای که بیان کرده ام درست نباشد، قاعدتا و منطقاً آنها می بایست مسئله اهمیت همکاری احزاب کردستانی را درک می کردند، اما وقتی که آنها همکاری احزاب کردستانی را ائتلاف مینامند، این سوال پیش می آید که چرا رفقای راه کارگر به توضیحات ما، که حتی در مصاحبه ای با رفیق ابراهیم علیزاده هم به روشنی توضیح داده شده است، توجه نمیکنند.

نکته دوم:

مگر آن اطلاعیه مشترک ۷ حزب و گروه کردستانی در چه رابطه ای بوده است که اعتراض این بخش از راه کارگر را بدنبال آورده؟ سرتیتر اطلاعیه مشترک احزاب کردستانی عبارت بود از: «اطلاعیه مشترک در باره موج جدید

سرکوب در ایران و کردستان، برای افکار عمومی ایران» ، که محتوای آن عبارت از اعتراض به سرکوبها و اعدامهای اخیر جمهوری اسلامی بویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی بوده است. در آن نامه مشترک از خانم مای ساتو گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با ایران و سازمانهای حقوق بشری و آزادیخواهان خواسته است که به هر شیوه ای که میتوانند با این سیاستهای جمهوری اسلامی اعتراض و مقابله کنند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی و توقف اعدام شوند. و از احزاب سیاسی ایرانی و آزادیخواه هم درخواست کرده که به این سرکوبگریهای رژیم اسلامی به اشکال مختلف اعتراض کنند.

حال رفقای راه کارگر بجای اینکه همکاری احزاب کردستانی را مثبت ارزیابی کرده و به مضمون و محتوای آن اطلاعیه مشترک احزاب کردستانی توجه کنند، آمده اند و روی این نکته متمرکز شده اند که این احزاب که مشترکا اطلاعیه داده اند، اسمشان چیست.

یکی میتواند به رفقای راه کارگر بگوید که پس شما به دلیل نام احزاب مختلف ، شما به محتوای نامه و درخواستی که نامه مشترک بیان کرده اند، مخالفید؟ آیا شما مخالف توقف اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی هستید؟ بدون تردید شما هم مخالف سرکوبگریهای رژیم و موج اعدامها هستید، پس چرا پاسخ مثبت به این درخواست را قربانی نام و اسم و رسم احزاب کردستانی کرده اید؟

این نگرش راه کارگر کاملا آشناست و در چپ ایران آنها در حمل این نگرش (که منافع جنبش کردستان را تشخیص نمیدهند) تنها نیستند.

نکته سوم:

مبارزات کومه له در چند جبهه در جریان است:

جبهه اول کار و فعالیت کومه له در داخل ایران (کردستان) و جنبشهای اجتماعی است. حال نقاط قوت و ضعف این عرصه از مبارزه را هم محفوظ و باز میگذارم.

جبهه دوم مبارزاتی کومه له، تلاش برای ایجاد همگرایی و اتحاد چپ در کردستان است. در این زمینه نقاط قوت و ضعف و درجه دستاورد ها در این عرصه را هم باز بگذاریم.

و جبهه سوم که تلاش کومه له برای ایجاد فضای سیاسی، دیالوگ و همکاری بین احزاب سیاسی کردستانی است. ارزیابی کردن هر سه عرصه مبارزاتی کومه له مفتوح است.

در یک مقایسه ساده بین تلاش کومه له در جبهه دوم و سوم، تلاش در جبهه سوم نتیجه بخش تر بوده است و علت آنهم روشن است : در کردستان جنبشی وجود دارد که در آن احزاب سیاسی کردستان هرکدام کم و بیش در جامعه کردستان جایگاهی دارند یا حداقل شناخته شده هستند. و مردم کردستان رغبت و انتظارات خود از احزاب سیاسی کردستان را به اشکال مختلف در رابطه با همکاری و اتحاد بین این احزاب بیان کرده اند و همکاری احزاب سیاسی کردستان بخشی پاسخ به انتظارات مردم کردستان است و بخش دیگری هم توافقاتی در عرصه های مشخصی است تا آن توافقات بین احزاب بتواند تاثیر مثبت بر جنبش کردستان و جنبش آزادیخواهان در سطح سراسری بگذارد.

به همان اندازه که احزاب کردستان با انتظارات توده ای برای همکاری و اتحاد روبرو هستند، احزاب چپ و بویژه گروههایی مثل هیئت اجرایی راه کارگر با چنین انتظارات اجتماعی جنبشی مواجه نیستند ، به همین دلیل کار آنها بسیار ساده است: تولید بیانیه و مقالاتی که مواضع آنها را بیان کند. و اینکه مواضع آن رفقا چه تاثیری بر روی کدام جنبش میگذارد، بماند و برای مکدر نشدن خاطر رفقا، از درجه تاثیرات اطلاعیه های رفقای هیئت اجرایی راه کارگر در میان مردم، میگذرم.

هیئت اجرایی راه کارگر بیش از دو سال است که با کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در همکاری است و هر دو هفته یکبار نیز اطلاعیه یا ارزیابی مشترک صادر کرده اند. اما با اینکه کومه له در جنبش کردستان با احزاب سیاسی اخیرا یک اطلاعیه مشترک صادر کرده است، آنها فوری اطلاعیه صادر کردند و ادامه فعالیت و همکاریشان با حزب کمونیست ایران را به تعلیق در آوردند. زنده باد این همه درایت این بخش راه کارگر.

نمیدانم هیئت اجرایی راه چگونه نسبت به همکاریهایش با حکا فکر کرده است؟ نمیدانم در این رابطه آنها چه نقشی برای خود قائل بوده اند؟ و چگونه به حکا و کومه له نگاه کرده اند؟

شواهد دال بر اینست که آنها ما را خیلی دست کم گرفته اند. و برعکس هم اینکه آنها خود را در جایگاه برتر تئوریک فرض کرده اند که با هر توصیه و پیشنهادی بتوانند حکا را به چپ چپ و به راست راست کنند.

مشکل اصلی اینجاست که رفقای هیئت اجرایی راه کارگر با بینش، اندیشه و متدلوژی دنیای گذشته میخوانند در دنیای مدرن امروز سیاست کنند. در دنیای گذشته بخشی از چپ ایران (حزب توده و فدائیان اکثریت) در زمان جنگ بین رژیمهای جمهوری اسلامی و بعث عراق، در کنار رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند و عمده ترین استدلالشان هم «ضد امپریالیست بودن جمهوری اسلامی و دفاع از میهن در مقابل تجاوز دولتی خارجی» بود.

وقتی هیئت اجرایی راه کارگر از «تجاوز صهیونیستی - امپریالیستی علیه خاک ایران» حرف میزند، درست استدلالات توده ایها و اکثریتی ها در دوران جنگ ایران و عراق را به یاد می آورند. اینکه جریانات سیاسی در شرایط عادی در باره خود چه میگویند، شاید چندان مهم نباشد، اما این بزنگاهها و رویدادهای مهم تاریخی هستند که ادعاهای جریانات مختلف از جمله هیئت اجرایی راه کارگر را محک میزند.

این رفقا یا جنبش کردستان را با انهمه تنوعاتی که دارد را نمی شناسند، یا اینکه در پوشش چپ با منافع این جنبش مخالفت میکنند.

نکته چهارم:

در این اطلاعیه کوتاه رفقای هیئت اجرایی راه کارگر این نشستها و همکاری بین احزاب کردستانی را ائتلاف بین رژیم چپ و نیروهای چپ کردستان نامیده، سپس در ادامه این همکاری احزاب کردستانی را بعنوان تیر خلاصی به همکاری میان این نیروها و دهن کجی آشکار به جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی دانسته است.

خوب، باید سوال کرد که چرا آن نشست بین احزاب کردستانی، بایست بعنوان تیر خلاصی برای همکاری بین نیروهای چپ تلقی شود؟ مگر راه کارگر نمیدانست یا نمیداند که کومه له درگیر یک جنبش اجتماعی است و ضرورتها و مصالح این جنبش کردستان ایجاب میکند که همکاری و هماهنگی بین احزاب کردستانی بوجود بیاورد؟ و از سوی دیگر دلیل کمونیست بودن کومه له در قبال اتحاد و همگرایی بین نیروهای چپ هم وظایف و سیاستهایی دارد؟

یا بایست سوال کرد که چرا همکاری احزاب سیاسی کردستان دهن کجی به جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی است؟ مگر نمیدانند منشاء جنبش زن، زندگی، آزادی کردستان بود و همین کردستان هم خواهان این هستند که احزاب سیاسی کردستان با هم رابطه و ارتباط و همکاری داشته باشند.

این اطلاعیه کوتاه هیئت اجرایی راه کارگر نشان میدهد که آنها دیالوگ و همکاری بین احزاب سیاسی کردستان را شخصی کرده تا سطح افراد و یا رهبرانی که سیاستهای قابل نقد دارند تنزل میدهند و عملاً احزاب سیاسی را با افراد آن شناسایی میکنند. با هر نقدی که به احزاب سیاسی کردستان وجود داشته باشد، کومه له مجبور است که با این احزاب در ارتباط و همکاری باشد.

رفقای راه کارگر چنین مجبوریتی ندارند چون درگیر با مسائل جنبش و احزاب سیاسی مختلف با برنامه و اهداف گوناگون نیستند. چالشهای که در مقابل کومه له قرار دارد، در مقابل آنها نیست، و طبیعی است که کومه له بر اساس منافع و مصالح جنبش کردستان مناسبات خود با احزاب سیاسی کردستان را تنظیم کند.

نکته پنجم:

این بخش از راه کارگر که چند سالی است در همکاری نزدیک با رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران قرار دارند، بویژه اطلاعیه های مشترک تقریباً هر دو هفته یکبار منتشر شده است. تا جاییکه به تقسیم بندی فعالیتهای حزبی برمیگردد ارتباط و همکاری حزب کمونیست ایران با راه کارگر و سایر جریانات چپ در سطح سراسری معنی و مفهوم دارد و در کردستان هم این کومه له هست که فعالیتهای در این جغرافیا را انجام میدهد و بر اساس منافع جنبش کردستان و توده های کارگر و زحمتکش سیاست و فعالیت میکند.

این بخش از راه کارگر ادامه همکاری با حکا را به تعلیق درآورده است. این به تعلیق درآوردن همکاری با حکا، از یکسو جای تأسف است، و از سوی دیگر جایی برای متأسف شدن ندارد. جای تأسف است چون انتظار ما این بود که دامنه این همکاری بین حکا و این بخش از راه کارگر وسعت بیشتری می یافت و منطقاً میبایست این همکاری ها به سایر احزاب چپ و کمونیست هم تسری پیدا میکرد، که عملاً نکرد و این سطح همکاریها چند سال در همین سطح باقی ماند. و این هم در جای خود قابل نقد و بررسی است.

اما از سوی دیگر جای برای متأسف شدن نیست، به این معنی که با توجه به تفاوت نگرش در چندین زمینه مهم و همچنین احساس ناامیدی این بخش از راه کارگر از حکا جهت به انقیاد درآوردن حکا از لحاظ نظری، دنبال فرصت مناسبی بودند تا به این همکاری هم پایان دهند.

از یک زاویه دیگر این به تعلیق درآوردن همکاری با حکا اشکالی ندارد. چون بگذار در اتحاد و همکاریها محظوریت وجود نداشته باشد. بگذار اتحاد و همکاریها بر اساس منابع جنبشهای اجتماعی مشخص باشند و نه براساس حتی سوسیالیسم. زیرا که بحث از سوسیالیسم در مرحله اول به نه رابط احزاب با یکدیگر، بلکه به آگاهی و اتحاد وسیع کارگران و رابطه و همبستگی جنبشهای اجتماعی و سپس رابطه حزب و طبقه ارتباط دارد...

این کنکرتها و مشخص های دنیای بیرونی احزاب و مصالح جنبش ها هستند که بایست مبنای همکاری و اتحاد قرار بگیرند، نه خلوص ایدئولوژیک و یا نزدیکی ستراتیژیک. قسمت دوم این جمله در ظاهر متناقض بنظر میرسد، اما تجارب

چند دهه گذشته اینرا نشان داده است که پافشاری بر ستراتیژی مشترک باعث شده هم همکاری بر سر ابتدائی ترین مطالبات به فراموشی سپرده شود و هم حصار ایدئولوژیکی درست کرده که مانع شده تا یک قدم موثر برای تغییر عینی شرایط موجود برداشته شود.

با تشکر از هیئت اجرایی راه کارگر برای یک دوره همکاری حتمن پرسود، برای ما لازم است این دوره هم مورد بررسی قرار گیرد، جوانب قدرت و ضعف آن بررسی شود. چرا همکاری بین این دو گروه نتوانست وسعت بیشتر داشته باشد؟ چرا چپ دوروبر ما (نیروهای چپ و کمونیست) از همکاری با ما اکراه دارند؟ آیا بخاطر وجود کومه له کمونیست و نقش و تاثیرات آن در جنبش کردستان و رابطه آن با سایر احزاب کردستانی است؟ آیا این چپ (شامل راه کارگر هم باشد) ما را بخش چپ ناسیونالیسم در کردستان میدانند که نمی خواهند با آن حتی در ارتباط هم بکنند؟ خود این چپی که از ارتباط و همکاری دوری میکند، اصولاً چه نوع چپی است؟ و تا چه اندازه تاثیر گذار در دنیای بیرون از خودشان و در درون جنبشهای مختلف اجتماعی هستند؟ ...

این دوره از همکاری بین حکا و راه کارگر برای بازبینی دوره ارزشمندی است. به هیئت اجرایی راه کارگر به دلیل اینکه یک جریان سیاسی هستند احترام گذاشته شد و همکاری با آنها منوط به کوچکی و بزرگی آنها، منوط به درجه تاثیرگذاری اجتماعی آنها و ... نکردیم.

سوالات انتقادی زیادی را میتوان طرح کرد. اما آنچه معلوم است اینست که با وجود همه چالشها، سوالها و حتی ناروشتی هایی که در مقابل ما قرار گرفته است، کومه له و حکا آغوشش برای ارتباط و همکاری با جریانات چپ باز است، در ضمن اینکه این چپ هم بایستی مقداری واقع بینی را در خود تقویت کرده و انطباق خود با شرایط موجود ایجاب میکند که آنها هم با نگرش انتقادی بازبینی به متدهایی که اتخاذ میکنند، داشته باشند.

در دور آتی و در یک برآمد توده ای کومه له گل سرسبد مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان هم در کردستان و هم در سراسر ایران خواهد بود و احتیاج به همبستگی و همکاری همه احزاب چپ و بویژه مدعیون خواهد داشت.